



مقالات



پڙو بشڪاھ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

امام علی (ع) و کارگزاران

دکتر سید احمد امامزاده*
فاطمه صفری**

چکیده

حکومت‌ها از بدو تشکیل تاکنون همگی برای دوام و ثبات خود به مسئله کارگزاران و مدیران صالح توجه خاصی نموده‌اند. در حکومت امیرالمؤمنین علی (ع) نیز به کارگزاران حکومتی و رعایت ویژگی‌های آنها اهمیت زیادی داده شده است که توجه به آن، نکات ارزنده‌ای را فراروی جوامع اسلامی معاصر می‌گذارد. در حکومت مولا علی (ع) برای انتخاب کارگزاران به پایگاه اجتماعی، اقتصادی، دینی، همچنین به صلاحیت‌های علمی، تخصصی، دینی و اخلاقی توجه ویژه‌ای شده است. حکومت‌ها تنها با مدیریت کارآمد و لایق می‌توانند از مشروعبیت مردمی برخوردار باشند و در این میان حکومت‌های دینی و غیردینی وجود ندارد. در سیره امیرالمؤمنین علی (ع) توجه به عنصر مدیریت در رفتار کارگزاران حکومتی از درجه اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است؛ همچنین علاوه بر گزینش دقیق و ضابطه‌مند کارگزاران به عنصر حاکمیت قانون، بر نحوه عملکرد کارگزاران توجه خاصی شده است. چرا که بدون وجود قانون ناظر بر رفتار کارگزاران، همان‌طور که تجربه حکومت‌ها تا به امروز نشان داده است، همه حکومت‌ها پس از مدتی به واسطه فسادهای مالی، اداری، اخلاقی و... در سراسری انحطاط و سقوط می‌افتند.

توجه به نظارت قانون بر رفتار مدیران و کارگزاران دولتی در غرب، تنها از زمان جان لاک (۱۷۰۴-۱۶۳۲) به بعد در اندیشه متفکران سیاسی بروز کرده است. از دید جامعه‌شناسی در ثبات و دوام نظام‌های سیاسی، مؤلفه‌های بسیاری نقش ایفاء می‌کنند که از جمله آنها، سلامت اخلاقی، دینی، مالی و... است. امام علی (ع) پس از انتخاب کارگزاران به نظارت مستقیم و بلاواسطه خود بر آنها مبادرت می‌ورزیده و آنان را از هرگونه کوتاهی در انجام وظایف محوله برحذر می‌داشتند.

کلیدواژه‌ها:

حکومت علی (ع)، کارگزاران علوی، روش زمامداری، مردم، عدالت.

*. مدیر گروه دین و فلسفه دانشگاه تربیت معلم
**. کارشناس ارشد نهج البلاغه دانشگاه پیام نور

یکی از عوامل مهم و اساسی در ثبات و کارایی نظام‌های سیاسی که از دیر باز تاکنون در فلسفه سیاسی و تاریخ تطور فکر سیاسی در میان متفکران این حوزه، مدنظر بوده است، مسئله کارآمدی و خلایق کارگزاران و مدیران یک نظام سیاسی است. افلاطون و ارسطو به عنوان پیش قراولان نظام سیاست، مباحث مربوط به حوزه سیاست را به ترتیب، در کتاب‌های جمهوری و سیاست پردازش کرده‌اند.

این دو فیلسوف سیاسی در آثار خود، مفصل به عدالت حاکمان جامعه به عنوان عامل نگهدارنده حکومت، توجه خاصی کرده‌اند، بنابراین بحث درباره صلاحیت و کارآمدی حاکمان و کارگزاران جامعه برای دوام حکومت‌ها از سؤالات پایدار در فلسفه سیاسی بوده است و این سؤال همچنان تا امروز و بلکه در آینده ذهن متفکران سیاسی را به خود مشغول خواهد کرد. افلاطون در کتاب جمهوری خود، بر این نکته تأکید می‌ورزد که در حکومت باید فرمان در دست فردی کارشناس و متخصص باشد. ارسطو نیز در کتاب سیاست خود معتقد است، تنها مردانی شایسته حکومت کردن هستند که به درجاتی از فضائل نائل آمده باشند و یکی از فضایل از نگاه او، همان حکمت عملی است که در طول سالیان و به کمک تجربه به دست می‌آید.

بدین‌وسیله می‌بینیم که متفکران یونان باستان بر ضرورت واگذاری حکومت به کارگزاران شایسته و کاردان، تأکید بلیغ کرده‌اند. این اهتمام وسیع به مسئله کارگزاران و رهبران جامعه در اندیشه متفکران معاصر نیز به خوبی نمایان است. با پیدایش دولت مدرن در دوران معاصر که به دنبال آن، صلاحیت و کاردانی نیز در زندگی اجتماعی و حتی فردی بشر، تأثیر گذاشته است، توجه به این مقوله مهم، در سلامت و کارآیی نظام‌های سیاسی، اهمیت مضاعف یافته است.

مطالعه سیستم‌های اقتصادی و سیاسی در کشورهای مختلف جهان به خوبی می‌تواند نشان دهد که نقش مدیران و کارگزاران صالح در پیشبرد اهداف حکومت‌ها و ملت‌ها تا چه حد منشاء اثر بوده است.

ضعف کارگزاران نظام سیاسی، حتی در مواردی که دارای مشروعیت اولیه بوده است. توانسته موجب زوال مشروعیت اولیه گردد و بالعکس، گاهی یک نظام سیاسی فاقد مشروعیت اولیه در اثر توانمندی کارگزاران و مدیران می‌تواند به مرور زمان، مقبولیت و مشروعیت مردمی را نیز کسب کند. بنابراین قبل از هر چیز، دوام و قوام حکومت‌ها به نقش سلامت کارگزاران حکومتی بستگی دارد. نکته حائز اهمیت در این مبحث آن است که هر نظام حکومتی، بدون توجه به نقش کارگزاران صالح و مدبر، نخواهد توانست در نیل به اهداف، از خود کارآمدی نشان دهد در این راستا تفاوتی میان حکومت دینی و غیردینی، وجود ندارد. یکی از الگوهای بسیار مناسب که می‌تواند در جهت اثبات این ادعا، توجه شود، سیره مولا امیرالمؤمنین (ع) در دوران زمامداری است که از باب سنت و مدیریت معقول، می‌تواند ملاحظه شود. حضرت علی (ع) در سیره سیاسی خود به خوبی بیان نموده‌اند که یکی از عوامل فروپاشی نظام‌های سیاسی، ناکارآمدی نظام سیاسی و زوال عدل است که به طور کلی در سایه مدیریت ناصالح و ناسالم، حاصل می‌گردد.

بدیهی است که قائمه هیچ حکومتی، اعم از حکومت دینی و غیردینی، بدون عدل و داد استوار نمی‌ماند و این مهم باید همواره مدنظر کارگزاران حکومت‌ها باشد. از نظر مولا علی (ع) وجود

فسادهای مالی، تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌ها باعث می‌شود تا مردم که همه دلخوشی و امید خود را معطوف به اجرای عدالت در جامعه و تأمین زندگی راحت کرده‌اند، با دیدن این مناظر به تدریج ناامید شده و از نظام سیاسی خود ادبار نمایند.

ادبار مردم از نظر سیاسی در درازمدت، موجب ایجاد فاصله و شکاف میان حکومت و مردم خواهد شد. و به تعبیر ابن‌خلدون، فروپاشی زودرس و اجل زود هنگام حکومت را در پی خواهد داشت. همچنین دیدگاه‌های تقریر شده حضرت به هر دسته از کارگزاران سیاسی، اقتصادی، قضایی و نظامی در خصوص نحوه عملکرد حکومتی به خوبی نشان می‌دهد که هرگونه بی‌اعتنایی در حسن رفتار با مردم و تنگ‌نظری و عدم توجه به مسائل معیشتی و ضروری مردم، همگی زمینه‌های سستی بنیان حکومت و زوال ثبات نظام‌های سیاسی را فراهم می‌آورد. از طرف دیگر و بر اساس دستاوردهای موجود خویش، رژیم‌های فاقد پشتوانه مردمی، هزینه و افزای بر روی حکومت تثبیت قدرت خواهند داشت. و این مطلبی است که در ادبیات سیاسی و تحت عنوان حکومت مردمی و قدرت و اقتدار ارزشی در برابر آن استبداد و حکومت نامشروع بررسی و تحلیل می‌شود و قطعاً سلامت و صلاحیت کارگزاران حکومتی در ایجاد اقتدار نظام سیاسی، نقش اساسی و کلیدی دارد. این تحقیق برخلاف سایر پژوهش‌های دیگر به بررسی روش‌های معمول حضرت در ارتباط با کارگزاران پرداخته است؛ بدین معنا که ابتدا با نگاهی به ویژگی‌ها و بایستگی‌هایی که کارگزاران لازم است قبل از انتصاب دارا باشند، پرداخته است و سپس به تعدادی از گزینش کارگزاران، توسط حضرت نگاه و نگرش عمیق‌تر نموده است و تمامی ویژگی‌های یاد شده را در اسئوه‌های کارگزاران حکومتی ایشان، جستجو کرده است. توجه به ویژگی‌های اجتماعی، سیاسی کارگزاران حکومتی مولا علی (ع)، همچنین نظارت مستقیم و بدون ملاحظه او بر رفتار استانداران و فرمانداران خود و توجه به نحوه عزل و نصب آن حضرت به کارگزاران، نکته‌های زیادی را فراروی جوامع اسلامی می‌گذارد تا با تمسک به سیره آن حضرت بتوان الگویی مناسب را در تجسم عدالت اجتماعی و سیاسی از دیدگاه مکتب اسلام ارائه نمود.

خطوط کلی سیاست اسلامی از منظر امام علی (ع)

۱- التزام به کتاب و سنت؛ شرط اولیه برای سیاستمدار اسلامی، التزام و تعهد او به کتاب خدا و سنت پیامبران الهی و ائمه معصومین در انجام وظیفه خطیر خویش است، آنجا که حضرت علی (ع) هنگام واگذاری حکومت مصر به مالک اشتر فرمودند:

« وَالْوَجِبُ عَلَيْكَ أَنْ تَتَذَكَّرَ مَا مَضَىٰ لِنَ تَقَدَّمَكَ مِنْ حُكُومِيَّةِ عَادِلَةٍ أَوْ سُنَّةِ فَاضِلَةٍ
أَوْ آثَرِ عَنِ نَبِيِّنَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَوْ فَرِيضَةٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ فَتَقْتَدِيَ بِمَا شَاهَدْتَ بِهَا
عَمَلْنَا بِهِ فِيهَا. » (معاد یخواره، ۱۳۷۴: نامه ۵۳، ۳۶۶)

«یعنی، اینکه در حین انجام وظیفه، باید همواره حکومت‌های دادگستر پیشین و شیوه عملکرد آنها را و همچنین سنت‌های پرفضیلت گذشتگان و روش‌های پسندیده آنها و آثار پیامبران و واجباتی که در کتاب خداست، همه را به یاد داشته باشی و آنها را به کار بگیری.»

۲- قاطعیت در اجرای حق و عدالت؛ از جمله لوازم سیاست برای سیاستمدار اسلامی، قاطعیت او در تحکیم عدالت و احکام الهی است. حضرت در طول دوران حکومت چند ساله خود هیچ گاه در اجرای احکام و دستورات الهی و برپایی عدالت اجتماعی، سازش نکرده و تساهل را در این موارد روا نمی دانستند و می فرمودند:

« وَالذَّلِيلُ عِنْدِي عَزِيزٌ حَتَّى آخِذَ الْحَقِّ لَهُ وَالْقَوِيُّ عِنْدِي ضَعِيفٌ حَتَّى آخِذَ الْحَقِّ مِنْهُ ». (دشتی، ۱۳۷۹: خطبه ۳۷)

«انسان خوار و پست در نزد من عزیز است، برای اینکه بتوانم حق او را استیفاء کنم و انسان زورمند و قوی در نزد من ضعیف است، تا اینکه بتوانم حق را از وی بستانم.»

۳- پایبندی به ارزش‌ها و صلاحیت‌ها در گزینش کارگزاران؛ ایشان در این زمینه می فرمایند: «کسی شایستگی تصدی امور سیاست را دارد که اگر از کسی فاصله می گیرد به خاطر زهد و وارستگی باشد و اگر به کسی نزدیک می شود به خاطر نرمش و مهربانی باشد، نه اینکه فاصله گرفتن او از سرتکبر و خودبزرگ بینی باشد و نزدیک شدن او به خاطر مکر و نیرنگ باشد» (دشتی، ۱۳۷۹: نامه ۵۳)

۴- آمیختگی اخلاق و سیاست؛ پرورش سجایای اخلاقی و پرهیز از ناهنجاری‌های اخلاقی در هنگام عصبانیت و مواقع بحرانی جنگ و انتقام جویی که آدمی را به هر نوع اقدامی می کشاند، همیشه مدنظر امام علی (ع) بود؛ به عنوان نمونه، حضرت در جنگ صفین که معاویه و همدستانش آب را بر علی و یارانش بستند؛ مولا علی (ع) فرمان داد کنترل فرات به دست ما بیفتد، اما پس از کنترل فرات به دست یاران علی (ع)، عده‌ای می خواستند مقابله به مثل کرده و آب را بر معاویه بپاشند، اما حضرت فرمودند:

« مَا أَجَاهِدُ الشَّهِيدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَعْظَمِ أَجْرًا مِمَّنْ قَدَرَ فَعَفَّ لَكَاءَ الْعَفِيفِ أَنْ يَكُونَ مَلَكًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ »

« پادشاه مجاهد شهید در راه خدا بزرگ تر از پادشاه عقیف پاکدامنی نیست که قدرت بر گناه دارد و آلوده نمی گردد، همانا عقیف پاکدامن، فرشته‌ای از فرشته‌هاست. » (همان، حکمت: ۴۷۴)

۵- مهر و محبت و خضوع با مردم؛ در پیش امام علی (ع) اصل و اساس سیاست، بر رفق و مداراست و جوهره آن، ملاحظت و مهربانی می باشد. برخورد محبت آمیز با مردم و نقش آن در موفقیت حاکم سیاسی از جمله تأکیدات حضرت در نامه‌هایش به کارگزاران خود می باشد و این مهم را همواره به عاملان خود گوشزد می کردند در جایی حضرت خطاب به مالک اشتر می فرمایند:

« وَأَسْعِزْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَالْحَبَّةَ لَهُمْ وَاللُّطْفَ بِهِمْ وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِبًا تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ إِمَّا أَخٌ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ »

امام علی (ع) و کارگزاران

«که مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با همه دوست و مهربان باش، مبدا هرگز چنان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی، زیرا مردم دو دسته اند: دسته‌ای برادر دینی تو و دسته‌ای دیگر همانند تو در آفرینش می‌باشند.» (همان، نامه: ۵۳)

با ترسیم خطوط سیاست اسلامی از نگاه حضرت امیرالمؤمنان علی (ع) به این مطلب می‌رسیم که اصل سیاست و دخالت در سیاست، امری پسندیده، بلکه ضروری و لازم است. سیاست در نظر مولا علی (ع) چیزی جز احقاق حق و اصلاح جامعه به سمت سعادت و تحکیم عدالت در جامعه نیست.

ضرورت حکومت

امام در خطبه ۴۰ نهج البلاغه به مسئله ضرورت فلسفه حکومت، اشاره کرده و می‌فرماید:

«وَإِنَّهُ لَأَيُّدٌ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ يَعْمَلُ فِي أَمْرَتِهِ الْمُؤْمِنَ وَيَسْتَمْتِعُ فِيهَا الْكَافِرَ وَ يَبْلُغُ اللَّهُ فِيهَا الْأَجَلَ وَيَجْمَعُ بِهِ الْفِيءَ وَيُقَاتِلُ بِهِ الْعَدُوَّ وَتَأْمَنُ بِهِ السَّبِيلَ وَيُؤَخِّدُ بِهِ لِلضَّعِيفِ مِنَ الْقَوِيِّ حَتَّى يَسْتَرِيحَ بَرٌّ وَيَسْتَرَاحَ مِنْ فَاجِرٍ»

«وجود حاکم و زمامدار برای مردم ضروری است، چه خوب یا بد؛ تا در پناه فرماندهی و زمامداری او مؤمن بکوشد و عمل صالح انجام دهد. کافر از لذت‌دنیوی بهره‌مند شود تا آنگاه خداوند مدت او را به پایان برساند و به واسطه او مالیات گردآوری شود و دشمن سرکوب شود. راه‌ها ایمن شود، حق ناتوانان از زورمندان گرفته شود و تا نیکان بیاسایند و بدان فرصت آزردن دیگران را نیابند.» (همان، خ: ۴۰)

والیان و کارگزاران حکومتی

تمامی کارگزاران حکومتی امام علی (ع) همیشه در تیررس دید مولایشان قرار داشتند و کلیه حرکات و سکنات آنان با دقت تمام، بررسی می‌شد. و نقاط ضعف و قوت آنان مرتباً توسط آن حضرت به آنان گوشزد می‌شد. (بهودی، ۱۳۶۸: ۷۵)

خطبه‌ها و نامه‌های فراوان حضرت علی (ع) به والیان و کارگزاران خود دلیلی گویا بر این مدعا است که حضرت نسبت به سرنوشت کارگزاران خود بسیار حساس بودند. چرا که سلامت آنان را ضامن سلامت جامعه و همچنین ثبات نظام سیاسی خود می‌دانستند. سیستم تنبیه و تشویقی که حضرت برای نیروهای سیاسی خود اتخاذ می‌کردند، همگی می‌تواند یک الگوی مناسب در به‌کارگیری این روش‌ها در جامعه امروز ما باشد.

دقت و ظرافت در مورد کارگزاران به این دلیل است که زعامت و رهبری جامعه انسانی که به دست کارگزاران و والیان حکومتی در اقصی نقاط شهرهای مختلف انجام می‌شد، پراچ‌ترین مسئولیتی است که انسان برعهده می‌گیرد؛ بنابراین عهده‌داران این مسئولیت باید از جنبه تقوی، علم،

فضیلت اخلاقی، بصیرت، سیاست، مدیریت، شهامت و دیگر سجایای اخلاقی از برترین انسان‌ها باشند. حضرت به یکی از کارگزاران خود به نام «اشعث بن قیس» فرماندار آذربایجان در خصوص امر تصدی حکومت و رهبری می‌فرماید:

« وَإِنَّ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطَعْمَةٍ وَ لَيْكِنَهُ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ وَأَنْتَ مُسْتَرْعَى لِنَ فَوْقَكَ
لَيْسَ لَكَ أَنْ تَفْتَاتَ فِي رِعِيَّةٍ وَلَا تَخَاطِرُ إِلَّا بِوَيْبِقَةٍ »

«ای اشعث! فرمانداری و حکومت تو، وسیله آب و نان نیست، بلکه امانتی است در گردنت، و تو باید مطیع مافوق باشی و در مورد بیت‌المال به هیچ کاری جز با احتیاط و اطمینان اقدام مکن.» (دشتی، ۱۳۷۹: نامه ۵)

اصلاح امور هر جامعه‌ای در گرو کارگزاران لایق و کاردان است، از این رو رهبران و زمامداران نیک‌اندیش، کوشیده‌اند کارمندان و کارگزارانی را به خدمت بگیرند که لیاقت کار را داشته باشند، در تاریخ سیاست، ما حساسیت‌های بسیاری را از جانب زمامداران نسبت به کارگزاران دیده‌ایم. اما هیچ کدام به حساسیت و دقتی که پیشوای بزرگ انسان‌ها، مولا علی (ع) داشت نمی‌رسد. فرمان‌هایی که رهبران غیرالهی در عزل و نصب کارگزاران خود صادر می‌کردند، از آنجا که از بیش کلی بر ابعاد وجودی انسان برخوردار نبود، عموماً اگر جایی را آباد می‌کردند، قسمت‌هایی را هم ویران می‌نمودند.

امام علی (ع) و
کارگزاران

اما فرمان‌های امام علی (ع) چون مولا پیش رسول الله (ص) از جامعیتی برخوردار بوده؛ زیرا آن بزرگوار چون با خداوندگار هستی، پیوند عمیقی خورده بود و آثار این پیوند در جزء‌جزء زندگی فردی و اجتماعی‌اش نمودار بود، فرمان‌هایش نیز همه جانبه بود، به طوری که همه ابعاد وجودی انسان را در برمی‌گرفت. وقتی به کارگزاری مسائل حکومتی را گوشزد می‌فرمود، او را به تقوا، ترس از خدا و توجه به آخرت نیز دعوت می‌کرد. هنگامی که آنان را به جمع‌آوری مالیات فرمان می‌داد، رعایت حال مردم و توجه به حفظ شخصیت آنان و پرهیز از تهدید و زور را هم متذکر می‌شد. حتی وقتی که امام علی (ع) نسبت به کارگزاری متخلف، خشم می‌گرفت و او را از کار برکنار می‌کرد؛ نکته‌های عمیقی را در فرمان عزلش متذکر می‌شد. مولا علی (ع) هیچ‌گاه کسی را روی اغراض شخصی برکنار نکرد؛ چنانچه روی حب و علاقه و یا عواطف قومی، کسی را برسرکار نیاورد، بلکه هر کاری می‌کرد و هر عزل و نصبی در حکومتش انجام می‌شد، براساس تقوا و انجام وظیفه، صحت عمل و... بود. او حکومت را برای استقرار عدالت و اجرای قوانین الهی می‌خواست، نه سودجویی و خودخواهی و غرور و... او بارها و بارها نگرش خود را درباره حکومت یادآور می‌شد و به این عباس می‌فرمود:

«وَاللَّهِ لَيْهِيَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ إِمْرَتِكُمْ إِلَّا أَنْ أَقِيمَ حَقًّا أَوْ أَدْفَعُ بَاطِلًا»

«به خدا سوگند! این (کفش کهنه) را از حکومت شما دوست‌تر دارم مگر آن که حقی را برپا سازم یا باطلی را براندازم.» (همان، ۱۳۷۹: خ ۳۳)

با توجه به برداشت امام (ع) از حکومت در نامه فوق، در حقیقت مولا علی (ع) کارگزاران کشورش

را برای خدمت به مردم می‌گمارد تا نظام اسلامی را به بهترین وجه اداره کنند و برای جامعه اسلامی، رفاه و آسایش را به ارمغان آورند. بنابراین به وضوح می‌بینیم که در عزل و نصب‌ها، هرگز روابط خویشاوندی و دوستی را مدنظر نمی‌داشت و روش سیاستمداران دنیاپرست را که در راستای بقای حکومت خود عمل می‌کنند، نداشت و تحت تأثیر جوسازی‌ها قرار نمی‌گرفت. او تنها رضای خدا را در نظر داشت و به مصلحت مردم می‌اندیشید. (ناظم زاده، ۱۳۷۳: ۲۴۵)

تعداد کارگزاران حکومتی حضرت در بخش استانداران و فرمانداران شصت و چهار نفر و در بخش کارگزاران بیت‌المال سه نفر و در بخش کارگزاران صدقات هفت نفر و در بخش بازرسان دو نفر و در بخش قضات سه نفر و در بخش کاتبان و دبیران هشت نفر و در بخش حاجبان و دربانان نه نفر هستند که به استاد اسامی که به تکرار آمده است، تعداد کلیه کارگزاران حکومتی امیرالمؤمنین به نود و یک نفر می‌رسد. عده اندکی از این افراد، جزو کارگزاران عثمان بودند که حضرت امیر(ع) پس از مدتی آنان را عزل کرده است، مانند: جریر بن عبدالمطلب، ابوموسی اشعری و تنها حذیفه و حبیب بن منتجب را در سمت‌های خود ابقاء کرد. عده‌ای از کارگزاران حضرت که توسط دشمنان به فیض شهادت نائل آمدند، عبارتند از: محمد بن ابی بکر، محمد بن ابی حذیفه، مالک اشتر نخعی، عبدالله بن خباب ارت، ابوحنسان بن حسان، حلو بن عوف بکری. عده‌ای دیگر که بر اثر کوهلوت سنی در زمان حضرت از دنیا رفتند، مانند: ابوقتاده و سهل بن حنیف هستند. عده‌ای تا آخر به حضرت وفادار ماندند، مانند: عثمان بن حنیف، کمیل، قیس بن سعد، قثم بن عباس، سلیمان بن سرد و سعد بن مسعود و... از این عده، گروهی در انجام وظیفه خود کوتاهی کردند که حضرت آنان را ملامت کرد، مانند: قدامه بن حجلان، عبیدالله بن عباس و سعید بن نمران. عده‌ای به خاطر خیانت به حکومت عزل شدند، مانند: عبدا. بن عباس، عقبه بن عمر و منذر بن جارود. گروهی که علاوه بر خیانت پاره‌پاره فراتر گذاشته و به معاویه پیوستند، مانند: قعقاع بن شوره، نعمان بن عجلان، مصقله، یزید بن حبیبه تیمی. شایان ذکر است که عمده ترین مسائلی که باعث فرار اینها به جانب معاویه شده است، مسائل مالی بوده است.

معیارهای حضرت در انتخاب کارگزاران

هر جامعه‌ای برای اینکه بتواند روی سعادت بیند و امور آن اصلاح گردد باید از کارگزاران لایق و متعهد بهره گیرد. همه حکومت‌ها برای پیشبرد جامعه خود به سمت تعالی و پیشرفت می‌کوشند تا از کارگزاران لایق و متعهد بهره گیرند، اما هیچ کس مانند امام علی (ع) این قدر نسبت به امور کارگزاران خود حساسیت و دقت به خرج نمی‌دهد. این واقعیت را می‌توان از نامه‌ها و خطبه‌های گوناگون حضرت به کارگزاران و والیان حکومتی در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی و دینی جستجو کرد. فرمان‌ها و دستوراتی که از جامعیت فوق‌العاده بی‌نظیر برخوردار بود، در تمامی نامه‌ها و عهدنامه‌های حضرت به کارگزاران ملاحظه می‌شود، همچنین مسئله رعایت تقوا و ترس از خدا و توجه به آخرت از مواردی بود که به آن توجه می‌شد.

علی(ع) هیچ‌گاه در عزل و نصب کارگزاران خود، مسئله رفاقت و خویشاوندی را مدنظر قرار نمی‌داد و روش سیاستمداران دنیاپرست را که تنها در راستای تمامی حکومت خود عمل می‌کردند نداشت، بلکه تنها به رضای خدا می‌اندیشید و مصلحت مردم را در نظر داشت. در اندیشه

سیاسی امیرمؤمنان علی (ع) هیچ خطری برای جامعه اسلامی، بیشتر از خطر بر سر کار آمدن افراد فاقد اهلیت و کم صلاحیت نیست. او بیم داشت که افراد ناصالح و نالایق زمام امور مملکت را به دست بگیرند و جامعه را به سمت تباهی و سقوط بکشانند. به همین جهت هنگام گماردن مالک اشتر به حکومت مصر در نامه به مصریان، چنین هشدار داده است:

« لِكَيْنِي أَسَى أَنْ يَلِيَّ أَمْرَ هَذِهِ الْأُمَّةِ سَفَهَاؤُهَا وَفَجَارُهَا فَيَتَّخِذُوا أَمَالَ اللَّهِ تَوَلًّا وَ عِبَادَةَ حَوْلًا وَالصَّالِحِينَ حَزْبًا وَالْفَاسِقِينَ حِزْبًا » (دشتی، ۱۳۷۹: نامه ۶۲)

«من بیم دارم که نابخردان و نابکاران زمام امور این ملت را به دست گیرند و مال خدا را دست به دست بگردانند و بندگان او را بردگان خود گیرند و با صالحان به دشمنی برخیزند و فاسقان را حزب خود قرار دهند.»

حضرت همیشه مردم را به مسئله کارگزاران توجه می دادند و می فرمودند که: «بی گمان مردم هلاک شدند آنگاه که پیشوایان هدایت و پیشوایان کفر را یکسان شمردند و گفتند: هر که به جای پیامبر نشست چه نیکوکار باشد چه بدکار، اطاعت او واجب است. پس سبب هلاک شدند. خدای سبحان فرموده است:

« پس آیا مسلمانان را همچون بدکاران قرار خواهیم داد، شما را چه شده است، چگونه دآوری می کنید؟ » (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۶۹، ۸۲)

امام علی (ع) و
کارگزاران

بنابراین جا دارد در اینجا به بررسی معیارهای حضرت در انتخاب کارگزاران حکومتی پردازیم:
۱- سابقه در اسلام؛ یکی از مزایای کارگزار حکومتی شایسته، پیشگامی او در اسلام و نهضت اسلامی است. این پیشگامی در اسلام را، قرآن کریم ستوده است:

« وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقْبِلُونَ » [واقعه (۵۶) / ۱۰ و ۱۱]

امام علی (ع) با توجه به منطوق قرآن کریم به مالک اشتر می فرماید:

« وَتَوَخَّ مِنْهُمْ أَهْلَ التَّجَرِبَةِ وَالْحَيَاءِ مِنْ أَهْلِ النَّبُوتَاتِ الصَّالِحَةِ وَالْقَنَمِ فِي الْإِسْلَامِ الْمُتَقَدِّمِ »

«کارگزاران شایسته را در میان گروهی بجوی که اهل تجربت و حیا هستند و از خاندانهای صالح، آنها که در اسلام سابقه ای دیرین دارند.» (دشتی، ۱۳۷۹: نامه ۵۳)

۲- ملاحظه سوابق خانوادگی؛ این مسئله نیز از دید امیرمؤمنان (ع) پنهان نمانده است و بارها مسئله صلاحیت خانوادگی کارگزاران را به مالک گوشزد کرده است و از وی خواسته که در انتخاب قضات و وزرای خود به خانواده های آنان نیز توجه کند. مولا علی (ع) در دو نامه به مالک اشتر در خصوص گزینش کارگزاران و فرماندهان نظامی فرموده است:

« ثُمَّ الصَّقِيُّ بِبُيُوتِ الْأَخْسَابِ وَأَهْلِ النَّبُوتَاتِ الصَّالِحَةِ وَالسَّوَابِقِ الْحَسَنَةِ »

« پس، از سپاهان خود کسی را بگمارد که دارای گوهری نیک و خاندان پارسا و صالح و سابقه نیک هستند.» (همان، نامه: ۵۳)

۳- داشتن حیاء و عفت؛ ایشان در این زمینه می‌فرمایند:

«وَمَنْ قَلَّ حَيَاؤُهُ قَلَّ وَرَعُهُ وَمَنْ قَلَّ وَرَعُهُ مَاتَ قَلْبُهُ وَمَنْ مَاتَ قَلْبُهُ دَخَلَ النَّارَ»

« هر کس حیاءش کم باشد، پارسایی و ورع او کم می‌شود و هر کس پارسایی‌اش کم باشد، قلبش می‌میرد و هر کس قلبش بمیرد، وارد آتش دوزخ می‌شود.» (همان، حکمت: ۳۴۹)

۴- پایبندی به اخلاق و مبانی دینی؛ حضرت علی (ع) در نامه خود به مالک اشتر به این نکته اشاره می‌کند که همکار شایسته و برگزیده کسی است که در کارهایی که خدا آن را برای بندگان خود ناشایست می‌داند تو را یاری ندهد، برعکس، او تو را به اخلاق دینی، متوجه سازد.

« ثُمَّ لِيَكُنْ أَثَرُهُمْ عِنْدَكَ أَقْوَلَهُمْ بِمُرِّ الْحَقِّ لَكَ وَأَقْلَهُمْ مُسَاعِدَةً فِيمَا يَكُونُ مِنْكَ بِمَأْكَرَةِ اللَّهِ لِأَوْلِيَانِهِ » (همان، نامه: ۵۳)

« اما برگزیده ترین همکارانت، باید کسی باشد که در کارهایی که خدا برای اولیایش دوست ندارد و تو از روی هوسرانی به آن دست زده‌ای کمتر یاریت دهد.»

۵- توجه داشتن به ضوابط؛ امام علی (ع) درباره رعایت ضوابط، برای گزینش کارمندان می‌فرمایند:

« ثُمَّ انْظُرْ فِي أُمُورِ عَمَّا لِكَ فَاسْتَغْمِلْهُمْ اخْتِبَارًا وَ لَا تَوَلَّهُمْ مُحَابَاةً وَ أَثَرَةً فَإِنَّهُمَا جَمَاعٌ مِنْ شَعْبِ الْجَوْرِ وَ الْخِيَانَةِ » (همان، نامه: ۵۳)

« ای مالک، در کارهای کارمندان دقت کن، آنها را با امتحان و آزمایش به کار بگمار و از روی بخشش، به دلخواه و استبداد نباشد. زیرا استبداد و تسلیم تمام ایالت شدن، کانونی از شعبه‌های جور و خیانت است.»

۶- داشتن تجربه؛ امام علی (ع) خطاب به مالک اشتر در خصوص انتخاب افراد با تجربه و کاردان

می‌فرمایند:

« وَ تَوَخَّ مِنْهُمْ أَهْلَ التَّجْرِيبَةِ. »

« از اهل تجربه برای امر کارگزاری برگزین.» (همان، نامه: ۵۳)

معیار حضرت در اعطای مسئولیت‌ها این بود که:

« ولایت و کارگزاری حکومت اسلامی جز به افراد متدین و امین واگذار نمی‌شود.»

(ابن عبدالبر، ۱۴۱۵: ج ۳، ۲۱۱)؛ (ری شهری، ۱۴۲۱: ج ۴، ۱۵۱)

۷- تقوا و تعهد؛ امام در این باره به مالک اشتر به عنوان سنبل حکومت و والی دینی می‌فرماید:

«أَمْرُهُ بِتَقْوَى اللَّهِ»

«افرادی باتقوا و متعهد به کار را انتخاب نما.» (دشتی، ۱۳۷۹: نامه ۵۳)

۹- آشنایی با کار؛ امام در این باره می‌فرماید:

«افرادی متدین، با دانش و تدبیر را برای کار، انتخاب نما.» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳: ۱۳۷)

انتخاب افراد ناشی، باعث اختلال در مدیریت و موجب تباهی می‌شود.

«ناتوانی کارگزار، آسیب به مدیریت می‌رساند.» (خوانساری، ۱۳۶۰: ۳۴۵)

۱۰- حضور در بین مردم؛ امام علی (ع) می‌فرماید:

«فَلَا تُطَوِّلَنَّ اخْتِجَابَكَ عَنْ رَعِيَّتِكَ فَإِنَّ اخْتِجَابَ الْوَلَاةِ عَنِ الرَّعِيَّةِ شُعْبَةٌ مِنَ الضِّيْقِ وَ قَلَّةٌ عِلْمٍ بِالْأُمُورِ وَ الْاِخْتِجَابُ مِنْهُمْ يَقْطَعُ عَنْهُمْ عِلْمَ مَا اخْتَجَبُوا دُونَهُ فَيَصْغُرُ عَنْهُمْ الْكَبِيرُ وَ يَعْظُمُ الصَّغِيرُ»

امام علی (ع) و
کارگزاران

«پنهان شدن خویش را از مردم، طولانی مکن، زیرا پنهانی مدیریتی از مردم، افزون بر این که نشان تنگخویی است، سبب می‌شود که اشراف به کار نداشته باشند. آنگاه کار کوچک را بزرگ جلوه دهند و کار مهم را کم اهمیت انگارند.» (دشتی، ۱۳۷۹: نامه ۵۳)

۲۰

۱۱- داشتن صداقت در رفتار و گفتار؛ امام علی (ع) در سیاستمداری خویش، فریب و نیرنگ را به کار نمی‌برد، زیرا صداقت و راستی است که سلامتی مدیریت را ضمانت می‌نماید.

«وَاللَّهِ مَا مَعَاوِيَةَ بِأَنْهَى مِنِّي وَ لَكِنَّهُ يَغْدِرُ وَ يَفْجَرُ وَ لَوْ لَا كَرَاهِيَةُ الْعَدْرِ لَكُنْتُ مِنَ أَهْلِ النَّاسِ» (همان، خ: ۲۰۰)

«معاویه هرگز از من سیاستمدارتر نیست، وی فریبکار و جنايتکار است، اگر نیرنگ و فریب ناپسند نبود، من سیاستمدارترین مردم بودم.»

۱۲- نظم‌پذیر بودن؛ امام متقیان، تأکید فراوان بر نظم دارند و می‌فرمایند:

«هر کاری را در هنگام خودش انجام دهید.»

«وَأَمِّضِ لِكُلِّ يَوْمٍ عَمَلَهُ فَإِنَّ لِكُلِّ يَوْمٍ مَا فِيهِ»

«کار هر روز را که برای آن زمان نهاده شده است، همان روز انجام ده.» (ابن شعبه حرانی، پیشین: ۱۴۳)

۱۳- منضبط وقانونمند بودن؛ فردی که متمایل به سازشکاری باشد، حق را اجرا نخواهد کرد و در نتیجه تلاش وی، خارج از مدار حق، شکل می گیرد.

«لَا يَقِيمُ أَمْرَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ إِلَّا مَنْ لَا يَصْنَعُ وَلَا يُضَارِعُ وَلَا يَتَّبِعُ الْمَطَامِعَ» (دستی،

۱۳۷۹: حکمت ۱۱۰)

«فرمان خدا را بر پا ندارد، جز آن کس که در اجرای حق مدارا نکند.»
در اولین روز بیعت با وی به عموم مردم فرمودند:

«وَأَعْلَمُوا أَنِّي إِنِ اجْتَبَيْتُكُمْ رَجَيْتُ بِكُمْ مَا أَعْلَمُ وَلَمْ أَضِغْ إِلَيَّ قَوْلَ الْقَائِلِ وَ عَتَبِ الْعَاتِبِ»

«آگاه باشید اگر من مدیریت شما را به عهده گرفتم، آنچه را که خود صلاح می دانم انجام می دهم و توصیه های کسی را هم نخواهم شنید و از ناراحتی و تندی کسی هم، هراس نخواهم نمود.» (همان، خ: ۹۲)

۱۴- کم هزینه و پرسود، کارآمد بودن؛ مولا علی (ع) از کارگزاری ستایش می نماید که با کمترین هزینه، بیشترین ثمر را دارد.

«أَوْلَيْكَ أَخْفُ عَيْنِكَ مَعُونَةٌ وَأَحْسَنُ لَكَ مَعُونَةٌ وَأَخْنَى عَلَيْكَ عَطْفًا» (همان، نامه: ۵۳)

«هزینه این گونه از افراد بر تو سبکتر و یاریشان بهتر و مهربانیشان بیشتر و دوستی آنان با غیر تو کمتر است.»

۱۵- حق مدار بودن؛ امام همام در معرفی بهترین کار گزار می فرماید:

«ثُمَّ لَيْكُنْ أَتْرَهُمْ عِنْدَكَ أَقْوَلَهُمْ بِمَرِّ الْحَقِّ لَكَ»

«بهترین کار گزار آن است که از گفتن سخن حق، گریز تلخ باشد، دریغ ننماید.» (همان، نامه: ۵۳)

۱۶- داشتن حسن سابقه و شهرت؛ ایشان به مالک اشتر توصیه می کنند:

«شَرُّ وُزَرَائِكَ مَنْ كَانَ لِلْأَسْرَارِ قَبْلَكَ وَزَيْرًا وَمَنْ شَرِكَهُمْ فِي الْأَثَامِ فَلَا يَكُونَنَّ لَكَ بَطَانَةٌ فَإِنَّهُمْ أَعْمَاؤُنَ الْأَثَمَةِ وَإِخْوَانُ الظُّلْمَةِ وَأَنْتَ وَاجِدٌ مِنْهُمْ خَيْرَ الْخَلْفِ مِنْ لَهْ مِثْلَ آرَائِهِمْ وَنَمَانِهِمْ وَ لَيْسَ عَلَيْهِ مِثْلُ أَصَارِهِمْ وَ أَوْزَارِهِمْ مِنْ لَهْ يَعْاوِنُ ظَالِمًا عَلَى ظُلْمِهِ وَ لَا آيَمًا عَلَى إِثْمِهِ أَوْلَيْكَ أَخْفُ عَيْنِكَ مَعُونَةٌ وَأَحْسَنُ لَكَ مَعُونَةٌ» (همان، نامه: ۵۳)

«بدترین وزیران تو کسی است که پیش از تو، وزیر بدکاران بوده و آنکه در گناهان

آنان شرکت نموده است. پس مبادا چنین کسانی محرم تو باشند که آنان یاوران گنهکارانند و ستمکاران را کمک کار و تو جانشینی بهتر از ایشان خواهی یافت که در کارائی، نفوذ و تأثیرگذاری چون آنان بود و گناهان و کردار بد آنان را برعهده ندارد. آنکه ستمکاران را در ستم یار نبوده و در گناهش مددکار نبوده، بار اینها بر تو سبک تر است و یاری ایشان بیشتر.»

وظایف کار گزاران حکومتی از منظر امام علی (ع)

۱- حاکم کردن اسلام و حدود الهی؛ امام علی (ع) در سخنان خود در مورد علت تشکیل حکومت، این گونه می فرماید:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنِ الَّذِي كَانَ مِنَّا مُنَافَسَةً فِي سُلْطَانٍ وَلَا الِتِمَاسَ شَيْءٍ مِنْ فَضُولِ الْخَطَامِ وَ لَكِنْ لِنَزَةِ الْمَعَالِمِ مِنْ دِينِكَ» (همان، خ: ۱۳۱)

«خدایا تو می دانی آنچه از ما رفت، نه به خاطر تلاش در کسب قدرت بوده و نه به خاطر رسیدن به مطامع ناچیز دنیوی است، بلکه هدف ما برپاساختن نشانه های دینی در جامعه است.»

۲- اصلاح و آبادانی سرزمین های اسلامی؛ حضرت علی (ع) در این باره می فرماید:

«و نَظَاهِرَ الْإِصْلَاحِ فِي بِلَادِكَ» (همان، خ: ۱۳۱)

«مقصد ما این است که اصلاح را در شهرهای تو آشکار کنیم.»

۳- اقامه حق و دفع باطل؛ این وظیفه را به ابن عباس این گونه بیان می فرماید:

«وَاللَّهِ لِيَهِيَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ إِمْرَتِكُمْ إِلَّا أَنْ أَقِيمَ حَقًّا أَوْ أَنْفَعُ بَاطِلًا»

«به خدا سوگند! این کفش نزد من از حکومت بر شما عزیزتر است، مگر آنکه حقی را برپا سازم یا باطلی را براندازم.» (همان، خ: ۳۳)

۴- رشد اخلاقی و علمی مردم؛ زدودن جهالت و نادانی و تعلیم همگانی از یک طرف و پرورش اخلاق و فضائل انسانی از طرف دیگر، وظیفه زمامداران و حاکمان اسلامی است که از کلام مولا علی (ع) استنباط می شود:

«فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ فَالِنَّصِيحَةُ لَكُمْ وَ تَوْفِيرُ فَيَنْبَغُ عَلَيْكُمْ وَ تَعْلِيمُكُمْ كَيْلًا جَهْلُوهَا وَ تَأْدِيبُكُمْ كَيْمَا تَعْلَمُوهَا»

«حق شما بر من، آن که از خیرخواهی شما دریغ نورزم و بیت المال را میان شما عادلانه تقسیم کنم و شما را آموزش دهم تا بی سواد و نادان نباشید.» (همان، خ: ۳۴)

۵- عدالت اجتماعی و فقر زدایی؛ ایشان بارها به کار گزاران خود در مورد فقر زدایی می فرماید:

« فَمَا جَاعَ فَقِيرٌ إِلَّا بِمَا مَنَعَ بِهِ غَنِيٌّ »

« فقیری گرسنه نماند مگر آنکه توانگری، حق او را خورده باشد. » (همان، حکمت: ۳۲۸)

علی (ع) می فرماید:

« أَنْصِفَ اللَّهُ وَأَنْصِفَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِكَ وَمِنْ خَاصَّةِ أَهْلِكَ وَمَنْ لَكَ فِيهِ هُوَى مِنْ رِعِيَّتِكَ فَإِنَّكَ إِلَّا تَفْعَلْ تَظْلِمُ »

« با خداوند به انصاف رفتار کن و نسبت به مردم نیز چه از جانب خداوند و چه از جانب افراد خاص، خاندان و خویشاوندان نزدیک و چه از جانب رعایایی که بدانها علاقه و گرایش مخصوص داری، انصاف را رعایت کن، اگر چنین نکنی ستم خواهی کرد. » (همان، نامه: ۵۳) (لنکرانی، ۱۳۶۸: ۹۲)

۶- تقسیم اموال بیت المال؛ مولا علی (ع) این وظیفه را به زمامداران توصیه می کند و می فرماید:

« أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي بِي عَلَيْكُمْ حَقًّا وَ لَكُمْ عَلَيَّ حَقٌّ فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ فَالتَّصِيحَةُ لَكُمْ وَ تَوْفِيرٌ فَيُنْكَمُ عَلَيْكُمْ »

« ای مردم، مرا بر شما و شما را بر من حقی واجب شده است، حق شما بر من، آن که از خیرخواهی شما دریغ نوزم و بیت المال را میان شما عادلانه تقسیم کنم. » (همان، خ: ۳۴)

امام علی (ع) وظایف عمده کارگزار را در نامه ۵۳ به طور خلاصه بیان می کند: (انصاریان، ۱۳۵۹: ۵)

- ۱- جَبُونَةُ خَرَايجِهَا: جمع آوری مالیات، یعنی تأمین بودجه های مورد نیاز کشور از طریق مالیات ها.
- ۲- وَ جِهَادِ عَدُوِّهَا: جهاد با دشمنان خدا و تأمین امنیت کشور.
- ۳- اسْتِصْلَاحُ أَهْلِهَا: اصلاح زندگی مردم در جنبه های مختلف مادی، معنوی، فرهنگی، دینی و غیره.
- ۴- عِمَارَةُ بِلَادِهَا: عمارت و آبادی کشور.

بایستگی و شایستگی های کارگزاران در زمان انجام وظیفه حکومتی

۱- اتصاف به علم و اخلاق عملی؛ حضرت علی (ع) در این باره به کارگزاران خود سفارش می کند:

که:

« وَ لَا تَقُولَنَّ إِنِّي مُؤَمَّرٌ أَمْرٌ فَأَطَاعَ فَإِنَّ ذَلِكَ إِذْغَالٌ فِي الْقَلْبِ وَ مِنْهُكَةٌ لِلدِّينِ وَ تَقَرُّبٌ مِنَ الْغَيْبِ »

« ای کارگزاران نگویید که من دستور دهنده ای هستم که امر می کنم و باید اطاعت شوم چرا که این باعث سیاهی قلب، پز مردگی دین و نزدیکی مردم به دیگران غیر از شما می شود. » (دشتی، پیشین، نامه: ۵۳)

۲- گزینش افراد شایسته و نزدیک کردن افراد غیر متعلق به خود؛ مولا علی (ع) خطاب به قاضی منصوب از طرف خود به اهواز این گونه می‌فرماید: «به درستی که این حکومت امانتی است که به ما سپرده شده است، پس هر کس آن را وسیله‌ای برای خیانت قرار دهد، لعنت خدا بر او تا قیامت باشد. هر کس خائنی را به کار گیرد و استخدام کند، پس محمد (ص) در دنیا و آخرت از او ناخشنود خواهد بود.»

۳- نظم در امور؛ امیرالمؤمنین (ع) در این خصوص به امام حسن (ع) می‌فرماید:

«أَوْصِيكُمَا بِتَقْوَى اللَّهِ وَنَظْمِ أَمْرِكُمَا»

«توصیه به نظم در امور، آنچنان از اهمیت بالاتری برخوردار بوده که حضرت آن را در ردیف تقوای الهی و بلافاصله بعد از آن ذکر کرده است.» (همان، نامه: ۴۷)

۴- ایجاد حسن ظن و از بین بردن کینه‌ها و عداوت‌ها؛ ایشان در نامه‌ای خطاب به حاکم مصر می‌فرماید:

«أَطْلِقْ عَنِ النَّاسِ عَقْدَةَ كُلِّ حَفِيدٍ وَاقْطَعْ عَنْكَ سَبَبَ كُلِّ وِثْرٍ»

«از مردم، عقده هر کینه‌ای را باز کن و بر سر آنها عقده ات را خالی نکن و سبب هر دشمنی را از خود دربارہ مردم دور کن.» (همان، نامه: ۵۳)

۵- ناظر دانستن مردم و آیندگان؛ امام علی (ع) در این خصوص می‌فرماید:

«وَأَيَّاتِكَ وَالْإِسْتِثْنَاءَ بِمَا النَّاسُ فِيهِ أَسْوَةٌ وَالتَّغَابِي عَمَّا نَعْنَى بِهِ بِمَا قَدْ وَضَحَ لِلْعَيْنِونِ فَإِنَّهُ مَأْخُودٌ مِنْكَ لِغَيْرِكَ وَعَمَّا قَلِيلٍ تَنْكَشِفُ عَنْكَ أَعْطِيَةَ الْأُمُورِ وَبِئْتَصِفُ مِنْكَ لِلْمُظْلُومِ» (همان، نامه: ۵۳)

«از غفلت در آنچه بدان توجه باید کرد و در دیده‌ها نمایان است بپرهیز؛ چرا که به زودی پرده کارها از دیده‌ات برداشته می‌شود و داد از تو بستانند و به ستم‌دیده رسانند.»

۶- وعده‌یی جا به مردم ندادن؛ امام علی (ع) در عهدنامه مالک اشتر به این نکته مهم تأکید فرموده‌اند:

«إِيَّاكَ أَنْ تَعِدَهُمْ فَتُتْبِعَ مَوْعِدَكَ بِخُلْفِكَ وَتُخْلَفَ يَوْجِبُ الْاَلْفَتُ عِنْدَ اللَّهِ وَالنَّاسِ» (همان، نامه: ۵۳)

«مبادا به مردم وعده‌ای دهی که در انجام آن کوتاهی کنی؛ چرا که خلف وعده، موجب خشم خدا و مردم می‌شود.»

۷- محبت و مدارایی با مردم و دوری نکردن از آنها؛ مولا علی (ع) در یکی از دستورالعمل‌های حکومتی به برخی از کارگزاران می‌فرماید:

«فَأَسْتَعِينُ بِاللَّهِ عَلَى مَا أَمَرَكَ وَأَخْلَطِ الشُّبَّةَ بِضَفِيٍّ مِنَ اللَّيْلِ وَأَرْفُقْ مَا كَانَ الرَّفُقُ
أَرْفُقًا وَاعْتَزِمِ بِالشُّبَّةِ حِينَ لَا يُغْنِي عَنْكَ إِلَّا الشُّبَّةُ» (همان)

«بر کارهای مهم خودت، از خدا طلب کمک کن، غلظت و شدت بر مردم را با نرمخوبی و لینت، ترکیب کن و تا جایی که مراقبت و مهربانی ممکن است بر مردم روا دار و تنها در جایی که چاره‌ای جز به کارگیری خشونت نیست، آن را به کار ببر.»

۸- جدیت در انجام وظیفه؛ امیرالمؤمنین (ع) خطاب به ابوموسی اشعری می‌فرماید:

«فَإِنْ حَقَّقْتَ فَأَنْفَذَ وَإِنْ تَفَشَّلْتَ فَأَبْعُدْ»

«اگر در انجام کار جدیت داری، پس آن را به درستی انجام ده و اگر بر آن تامل و سستی می‌ورزی، کنار برو.» (همان، نامه: ۶۳)

دیدگاه‌های امام علی (ع) نسبت به کارگزاران حکومتی

۱- کارگزاران سیاسی؛ امام علی (ع) پیش از هر چیز مالک را به این امور فرمان می‌دهد:

«أَمْرُهُ بِتَقْوَى اللَّهِ وَإِتِّبَاعِ طَاعَتِهِ وَاتِّبَاعِ مَا أَمَرَ بِهِ فِي كِتَابِهِ مِنْ فَرَائِضِهِ وَسُنَنِهِ الَّتِي لَا يَسْعُدُ أَحَدٌ إِلَّا بِاتِّبَاعِهَا وَلَا يَشْقَى إِلَّا مَعَ جُحُودِهَا وَإِضَاعَتِهَا»

«تقوی الهی، برگزیدن فرمانبرداری از خدا و پیروی از آنچه که در کتابش فرمان داده است، اعم از فرائض و سنت‌ها که تاکنون کسی به پیروزی نرسید جز با تبعیت از آن و هیچ کس به شقاوت نرسیده مگر با انکار و تباہ سازی آن.» (همان، نامه: ۵۳)

۲- کارگزاران نظامی؛ حضرت در عهدنامه مالک اشتر به اهمیت نظامیان اشاره فرموده و پایداری امور مردم را منوط به وجود این دسته می‌دانند و می‌فرمایند:

«فَالْجُنُودُ بِإِذْنِ اللَّهِ حُصُونُ الرَّعِيَّةِ وَزَيْنُ الْوَلَاةِ وَعِزُّ الدِّينِ وَسَبُلُ الْأَمْنِ وَلَيْسَ تَقْوَمُ الرَّعِيَّةُ إِلَّا بِهِمْ»

«سپاهیان (نظامیان) به فرمان خدا دژهای استوار رعیت، زینت و آبروی والیان و دولت، عزت دین و پشتوانه راه‌های امن کشور هستند و کار مردم جز با نظامیان پایدار نخواهد ماند.» (همان، نامه: ۵۳)

۳- کارگزاران اقتصادی؛ ایشان در نامه ۶۷ خود به قثم بن عباس، کارگزار خود در مکه، این گونه

می‌فرمایند:

«وَأَنْظُرْ إِلَى مَا اجْتَمَعَ عِنْدَكَ مِنْ مَالِ اللَّهِ فَاصْرِفْهُ إِلَى مَنْ قَبْلَكَ مِنْ ذَوِي الْعِيَالِ وَالْجَمَاعَةِ مُصِيبًا بِمَوَاضِعِ الْمَقَاتِلِ وَالْخَلَّاتِ وَمَا فَضَّلَ عَنْ ذَلِكَ فَاحْمِلْهُ إِلَيْنَا لِنَقْسِمَهُ»

«آنچه از ثروت عمومی در نزدت فراهم آمده است و در واقع متعلق به خداست با دقت به مصرف عبالمندان و گرسنگان برسان که در قلمرو قدرت تو به سر می‌برند اگر نیازها و کمبودها را پاسخگو باشد، آنچه را که مازاد مصرف آن سامان است به سوی ما راهی کن تا میان نیازمندان اینجا پخش کنیم.» (همان، نامه: ۶۷)

۴- کارگزاران قضایی؛ امیرالمؤمنان هم در مقام قضاوت به عنوان بهترین قاضی است و هم در مقام حاکم اسلامی به عنوان بهترین ناظر بر امور قضات بوده و هرگز اجازه سوءاستفاده از این منصب را به کسی نداده است؛ این امر تا آنجاست که امیرالمؤمنین علی(ع)، ابوالاسود دؤلی را که از یاران بسیار نزدیکش بود، حکم قضاوت داد؛ اما پس از ساعتی از روز او را از کار برکنار کرد، وی همین که از عزل خود باخبر شد به سرعت به محضر امام شرفیاب شد و عرض کرد: چرا مرا عزل کردی؟ به خدا سوگند! نه به خودم و نه به دیگری خیانت نکردم. امام فرمود:

«بازرسان به من خبر دادند موقعی که دو نفر با هم نزاع دارند و نزد تو حاضر می‌شوند، صدایت را بر صدای آنها بلندتر می‌کنی.» (العقاد، بی تا: ۱۲۲)

کارگزاران نمونه و ممتاز حکومتی

امام علی(ع) و کارگزاران

به عنوان نمونه، به بررسی چهارتن از یاران و کارگزاران باوفا و موفق حضرت می‌پردازیم تا حداقل سیمایی از کارگزاران حکومتی علی(ع) را به نمایش گذاشته باشیم. این سه بزرگوار عبارت است از: مالک اشتر، محمد بن ابی بکر و عبدالله بن عباس.

۱- مالک اشتر؛ امیرالمؤمنین علی(ع) هر زمان فرماندهان لشکری را به منطقه ای گسیل می‌داشت مالک اشتر را نیز بر آنها فرماندهی می‌داد، به طوری که مالک، فرمانده فرماندهان محسوب می‌شد. در نامه‌ای به دو تن از فرماندهان لشکر مولا علی(ع)، از ویژگی‌های برجسته و خصوصیات مالک یاد می‌کند؛ متن نامه حضرت چنین است:

« وَ قَدْ أَمَرْتُ عَلَيْكُمْمَا وَعَلَى مَنْ فِي حَيْزِكُمَا مَالِكُ بْنُ الْحَارِثِ الْأَشْثَرِ فَاسْمَعَا لَهُ وَأَطِيعَا وَاجْعَلَاهُ دِرْعًا وَمِجَنًّا فَإِنَّهُ مِّنْ لَا يَخَافُ وَهُنَّةٌ وَلَا سَقَطَتُهُ وَلَا بَطُؤُهُ عَمَّا الْإِسْرَاعِ إِلَيْهِ أَخْزَمَ وَلَا إِسْرَاعَهُ إِلَيَّ مَا الْبُطْءُ عَنْهُ أَمْلٌ »

«اینک، مالک اشتر فرزند حارث را بر شما و بر هر که زیر فرمان شماست، فرماندهی می‌دهم؛ پس گوش به فرمان او باشید و او را سیر و زره خویش قرار دهید که او از فرماندهانی باشد که هیچ نگرانی از سستی و سقوطش نباشد؛ همچنان که در مورد او این نگرانی نیست که به هنگام شتاب، سستی کند و به هنگام درنگ، عجله به خرج دهد.» (دستی، پیشین: نامه ۱۳)

۲- عبدالله بن عباس؛ در جنگ جمل، هنگامی که علی(ع) او را برای مصالحه به سوی طلحه و زبیر فرستاد، او را اینگونه ستود:

«کسی که پسر عمومی چون ابن عباس دارد، به حق، چشمش روشن است.» (شوشتی، ۱۳۷۷: ۱۸۴)

۳- محمد بن ابی بکر؛ اواز جمله کارگزارانی بود که به فرمانروایی مصر رسید؛ علی (ع) در رئای از دست دادن او می‌فرمایند:

«لَمَّا بَلَغَهُ قَتْلَ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ إِنَّ حُرَيْنًا عَلَيْهِ عَلَى قَدِرٍ سُرُورِهِمْ بِهِ إِلَّا أَنَّهُمْ نَقَضُوا بَعْضًا وَنَقَضْنَا حَبِيبًا»

«در این فاجعه، اندوه ما برای شهادت او، برابر با شادی شامیان است؛ جز آنکه از آنان دشمنی کاسته شد و از ما دوستی.» (دشتی، پیشین، حکمت: ۳۲۵)

شهادت محمد، بر علی بسیار گران آمد و آن حضرت با چشمان اشک آلود فرمودند:

«او برای من فرزند و برای فرزندانم و فرزندان برادرم برادر بود.» (یعقوبی، ۱۳۶۶: ج ۲، ۱۹۴)

نحوه نظارت بر عملکرد کارگزاران

شیوه حضرت در نظارت بر رفتار مدیران و والیان حکومتی، بدین صورت بوده که به دنبال فرستادن هر کارگزاری به هر یک از مناطق تحت حکومت، یک جاسوس نیز بر آن کارگزار مشرف می‌گرداند تا جزئیات امور را به ایشان گزارش دهد. در سخنان حضرت به تکرار، جمله «و ابعت العيون» که همان گماردن چشم‌های مخفی (جاسوس) می‌باشد آمده است. نظارت غیر مستقیم بر عملکرد کارگزاران، نسبت به نظارت مستقیم، مزایایی دارد که با این شیوه، دیگر امکان تظاهر در رفتار کارگزاران وجود ندارد و به سرعت می‌توان جلو انحراف‌های کارگزاران را با اطلاع رسانی صحیح، گرفت. حضرت در نامه مالک اشتر در خصوص شیوه نظارت بر عملکرد کارگزاران می‌فرماید:

«حَقِّمْ مِنَ الْأَعْيَانِ فَإِنَّ أَحَدَ مِنْهُمْ بَسِطَ يَدَهُ إِلَى نَهْجِ الْبَلَاغَةِ خِيَانَةً اجْتَمَعَتْ بِهَا عَلَيْهِ عِنْدَكَ أَخْبَارَ عِيُونِكَ اِكْتَفَيْتَ بِذَلِكَ شَاهِدًا فَبَسِطْتَ عَلَيْهِ الْعُقُوبَةَ فِي بَدَنِهِ وَأَخَذْتَهُ بِمَا أَصَابَ مِنْ عَمَلِهِ.» (دشتی، پیشین، نامه: ۵۳)

«براعوان و انصار خویش مراقبت و نظارت کن، اگر یکی از کارگزارانی که معین کردی دست درازی کرد و خیانتی را مرتکب شد و مأموران سری تو گزارش بر خیانت وی دادند، به همین مقدار از شهادت اکتفا کن و فوراً او را احضار و زیر تازیانه کفیر بگیر و به مقدار خیانتی که کرده او را تنبیه کن.»

تشویق و قدردانی از کارگزاران

علی (ع) در نامه‌ای به مالک اشتر، متذکر می‌شوند که:

«وَأَصِلْ فِي حُسْنِ الثَّنَاءِ عَلَيْهِمْ وَتَعْيِيدِ مَا بَلَى ذُو الْبِلَاءِ مِنْهُمْ فَإِنَّ كَثْرَةَ الذِّكْرِ
حُسْنِ أَعْقَابِهِمْ تَهْزُ الشُّجَاعَ وَخَرَضَ النَّكِلَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ»

«کارگزاران را به نیکویی یاد کن و تشویقشان نما و کارهای مهمی را که انجام داده‌اند
برشمار، زیرا یادآوری کارهای نیک آنان، موجب دلیری، شجاعت و کوشش بیشتر
می‌شود و آنان که تبلی می‌کنند، به کار تشویق می‌شوند. ان شاء الله.» (همان نامه)

تویخ و تنبیه کارگزاران

امیرمؤمنان در حسابرسی از کارگزاران خود هرگز تساهل روا نمی‌داشت و اجازه نمی‌داد کسی
از موقعیت خود به سود خود و به زیان دیگران بهره برداری کند و به محض رسیدن خیر از سوی
بازرسان مبنی بر فساد و انحراف کارگزارانش، آنها را احضار، تویخ و عزل می‌نمودند. عثمان بن
حنیف در آن هنگام که از طرف امام علی (ع) والی بصره بود، به امیرالمؤمنین علی (ع) خبر دادند که
او به مهمانی طبقاتی رفته است که فقط پولدارها، اعیان و اشراف در آن شرکت داشته، اما طبقات
محروم و کم درآمد از آن سفره محروم بوده‌اند. لذا امام نامه بسیار تند و تویخ آمیز به او می‌نویسد
تا عبرت همه باشد و راه و روش حکومت علوی را بداند.

«أَمَّا بَعْدُ يَا ابْنَ حُنَيْفٍ فَقَدْ بَلَغَنِي أَنَّ رَجُلًا مِنْ فِتْيَةِ أَهْلِ الْبَصْرَةِ دَعَاكَ إِلَى مَادَبَّةٍ
فَأَمْسَرْتَهَا إِلَيْهَا تَسْتَطَابُ لَكَ الْأَكْوَانُ وَتَنْقُلُ عَلَيْكَ الْجِفَانَ وَمَا ظَنَنْتَ أَنَّكَ جَبِيبٌ إِلَى
طَعَامِ قَوْمٍ غَائِلُهُمْ مَجْضُؤٌ وَغَنِيَّتُهُمْ مَمْعُؤٌ» (همان، نامه: ۴۵)

امام علی (ع) و
کارگزاران

۲۸

«ای پسر حنیف! به من گزارش دادند که مردی از سرمایه‌داران بصره، تو را به مهمانی خویش
فرا خوانده و تو به سرعت به سوی او شتافتی، خوردنی‌های رنگارنگ برای تو آوردند و کاسه‌های
پر از غذا، پی در پی جلوی تو نهادند؛ گمان نمی‌کردم، مهمانی مردمی را بپذیری که نیازمندانشان
با ستم محروم شده و ثروتمندانشان بر سفره دعوت شده‌اند. اندیشه کن در کجایی؟ و بر سر کدام
سفره می‌خوری؟»

«فَارْفَعْ إِلَيَّ حِسَابَكَ»

«پس هرچه زودتر، حساب اموال را برای من بفرست.» (همان، نامه: ۴۰)

رابطه کارگزاران با مردم

یکی از معیارهایی که می‌توان حکومت‌ها را با آن سنجید، نحوه برخورد کارگزاران آن
حکومت با مردم است؛ امام علی (ع) در این خصوص سخنان زیادی دارد که ما در اینجا به یک نمونه
از آنها اشاره می‌کنیم:

«وَأَيُّكَ وَالْمَنَ عَلَى رَعِيَّتِكَ بِإِحْسَانِكَ أَوْ التَّرْتِدُ فِيمَا كَانَ مِنْ فِعْلِكَ أَوْ أَنْ تَعْدَهُمْ
فَتَتَّبِعَ مَوْعِدَكَ بِخُلْفِكَ فَإِنَّ الْمَنَّ يُبْطِلُ الْإِحْسَانَ وَالتَّرْتِدُ يَنْهَبُ بِنُورِ الْحَقِّ وَالْخُلْفُ

يُوجِبُ الْمَقْتِ عِنْدَ اللَّهِ وَالنَّاسِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ» (همان، نامه: ۵۳)

«مبادا هرگز با خدمت‌هایی که انجام دادی بر مردم منت گذاری، یا آنچه را انجام داده‌ای، بزرگ بشماری یا مردم را وعده‌ای داده، سپس خلف وعده نمایی! منت نهادن، پاداش نیکوکاری را از بین می‌برد و کاری را بزرگ شمردن، نورحق را خاموش می‌گرداند، و خلاف وعده عمل کردن، خشم خدا و مردم را برمی‌انگیزاند که خدای بزرگ فرمود: «دشمنی بزرگ، نزد خدا آن است که بگویند و عمل نکنند.»

رابطه مردم با کارگزاران

مردم باید در برخورد با مسئولان حکومتی، آنها را با نصیحت و ارائه راهکارهای نظری و عملی در پیشبرد امور، یاری رسانند. آن حضرت نه تنها انتقاد را پذیرفته و به آن اهمیت می‌دادند، بلکه توصیه او به کارگزاران خود این بود که مردم را تشویق به انتقاد کنند تا با انتقادات، به عیوب کار کردها و تصمیمات خود آگاه گردند؛ از طرف دیگر، حکومت نیز این حق را دارد تا مردم او را در مسیر صحیح راهنمایی کنند؛ حضرت علی (ع) در این زمینه می‌فرمایند:

«فَأَعِينُونِي بِمُنَاصَحَةٍ خَلِيَّةٍ مِنَ الْغَيْثِ سَلِيمَةٍ مِنَ الرَّبِّ فَوَاللَّهِ إِنِّي لَأَوْلَى النَّاسِ بِالنَّاسِ»

«ای مردم، مرا با اندرز خالص و خالی از هرگونه خیانت و تردید یاری دهید. به خدا سوگند، من اولایی به مردم از خود مردم هستم.» (همان، خ: ۱۱۸)

نتیجه‌گیری

آنچه در این مقاله گذشت، هدف از آن به نمایش گذاشتن میزان تأثیر نقش کارگزاران حکومتی در ثبات نظام‌های سیاسی است. همه تلاش حضرت در انتخاب کارگزاران اصلح و شایسته این بوده است که بتواند حکومتی صالح و مبتنی بر عدالت را طبق دستورهای اسلام تشکیل دهد و این ممکن نبود مگر با گزینش کارگزاران متعهد و متخصص و آشنا به احکام دین اسلام که تمام همشان خدمت به خلق خدا باشد. تمام بایستگی و شایستگی‌هایی که حضرت در مورد کارگزاران خود مدنظر داشتند، وسیله‌ای بود برای پیاده کردن عدل و قسط در جامعه که هدف نهایی تمامی انبیاء الهی و از جمله حکومت علی (ع) را تشکیل می‌دهد. اگر مجموعه ویژگی‌ها و بایستگی‌هایی را که در مورد کارگزاران در این تحقیق به آنها اشاره شد، در حکومتی مجتمع باشد و نظارت مستمر نیز جهت تداوم حسن سلوک و تعامل مطلوب با مردم، حاکم باشد، می‌توان به اقامه قسط و عدل در جامعه امید داشت. چرا که اگر در جامعه‌ای عدالت اجتماعی پیاده نشود آن حکومت، محکوم به سقوط است.

حکومت‌ها ممکن است با بی‌دینی و غفلت از اجرای احکام اسلامی در جامعه، مدت‌ها دوام پیدا کنند و حتی از مقبولیت بالای مردمی هم برخوردار شوند، اما به یقین هیچ حکومتی با ظلم و ستم و بی‌توجهی به مشکلات مردم، پایدار نخواهد ماند. بنابراین تنها با رعایت عدل است که حکومت، صاحب اموال فراوان و سرزمین‌های آباد شده و جامعه رو به صلاح و رستگاری حرکت خواهد کرد. (ابن طقفی، ۱۳۶۰: ۱۹)

باید دانست که مدیریت ناصالح و ناکارآمد، می‌تواند هر نظامی را در معرض فروپاشی و انحطاط قرار دهد؛ بنابراین صرف داشتن حکومت مبتنی بر دین مبین اسلام، نشان دهنده مشروعیت سیاسی آن نیست، بلکه مشروعیت سیاسی و مقبولیت مردمی در گرو رعایت عدالت اجتماعی و پرهیز از ظلم و ستم به مردم است. سیره شاهان ستمگر و حکومت‌های غیر مردمی به گونه‌ای بوده که با رفتار آمرانه، مردم را از خود دور می‌کردند و زیردستان را با تکبر و نخوت، خوار و خفیف می‌کردند؛ از دیدگاه حضرت علی (ع) چنین رفتاری از سوی کارگزاران، دور از شئون دینی و روش اخلاقی اسلام است و به همین جهت خطاب به گروهی که با زبان مدهانه سخن می‌گفتند، فرمودند:

« فَلَا تُكَلِّمُونِي بِمَا تَكَلَّمُ بِهِ الْجَبَابِرَةُ »

«با من چنانکه با پادشاهان سرکش سخن می‌گویند، حرف نزنید.» (همان، خ: ۲۱۶)

نکته مهم توجه در مورد کارگزاران حضرت علی (ع) آن است که حضرت در عین دقت و وسواس در گزینش کارگزاران، بر عملکرد آنها نیز نظارت داشته و از مالک اشتر نیز می‌خواهند که افرادی را پنهانی جهت اطلاع از عملکرد آنها و ارزیابی چگونگی سلوک آنان با مردم، بر آنان مشرف گردانند. بنابراین، قبل از آنکه حکومتی توسط مردم آن جامعه بخواند اصلاح شود، باید کارگزاران آن به فکر اصلاح خود و جامعه باشند. هم‌چنین کارگزاران به عنوان الگوهای جامعه باید وظیفه خود را به نحو احسن انجام دهند و به فکر عواقب اعمال و رفتار خود باشند. اگر علی (ع) در برابر بی‌عدالتی‌ها و ستمکاری‌های بعضی از کارگزاران خود، عکس العمل شدید نشان می‌دهد، همگی به خاطر آن است که می‌دانند بی‌توجهی به مسائل فوق، برافروختن آتشی است که در درجه اول، دامن خود کارگزاران و در نهایت حکومت را خواهد گرفت.

بنابراین باید نتیجه گرفت که عملکرد و رفتار کارگزاران تأثیر مستقیم و بلاواسطی بر ثبات نظام‌های سیاسی دارد. چنانکه سپردن امور مملکت به اشخاص فاقد تجربه که لازمه تصمیم‌گیری در امور مهم اقتصادی - سیاسی می‌باشد سقوط در ورطه هلاکت و نابودی را برای جامعه به دنبال خواهد داشت و این نکته را حاکمان باید مدنظر داشته باشند، آنچه حکومت آنان را دوام و قوام میبخشد، داشتن تدبیر، دانش فراوان و استفاده از کارگزاران مجرب و دلسوز است. امید است تمامی مسئولان و دست‌اندرکاران جمهوری اسلامی ایران این سخنان، دستورها و فرمان‌های الهی را فراراه خود قرار داده و باللهام از آنها در راه تحقق بخشیدن به اهداف و خواسته‌های به حق، خدایی آن حضرت در جامعه اسلامی ایران بکوشند تا کشور، پایگاهی برای نشر اسلام در تمامی جهان گشته و گامی باشد در جهت برانداختن ظلم و ستم از صحنه روزگار.

منابع و مآخذ

- ۱- قرآن مجید، ترجمه الهی قمشه‌ای.
- ۲- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.
- ۳- ابن ابی‌الحدید معتزلی مدائنی، عزالدین عبدالحمید بن هبة الله (۱۳۸۵). شرح نهج البلاغه، چاپ دوم، قاهره: دارالاحیاء التراث العربی.
- ۴- ابن شعبه حرانی، ابومحمد بن علی (۱۳۶۳). تحف العقول عن آل الرسول (ص)، قم: النشر الاسلامی.
- ۵- ابن طلققی، محمد بن علی بن طباطبایی (۱۳۶۷). تاریخ فخری در آداب ملکداری و دولتهای اسلامی، ترجمه محمدوحید گلپایگانی، تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی و شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۶- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله (۱۴۱۵). الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ۷- انصاریان، علی (۱۳۵۹). قانون اساسی حکومت اسلامی امام علی (ع)، تهران: بنیاد نهج البلاغه.
- ۸- بهبودی، محمد باقر (۱۳۶۸). سیره علوی، تهران.
- ۹- خوانساری، جمال‌الدین محمد (۱۳۶۰). شرح غررالحکم و درر الکلم، تحقیق میرجلال‌الدین حسینی ارموی، تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۰- دشتی، محمد (۱۳۷۹). ترجمه نهج البلاغه حضرت امیرالمؤمنین علی (ع)، قم: طلیعه نور.
- ۱۱- شوشتری، قاضی نورالله (۱۳۷۷). مجالس المؤمنین، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- ۱۲- العقاد، عباس محمود {بی تا}. عبقریة الامام علی (ع)، بیروت: دارالهیلال.
- ۱۳- لنکرانی، محمدفاضل (۱۳۶۸). آیین کشورداری از دیدگاه امام علی (ع)، قم: نشر فرهنگ اسلامی.
- ۱۴- محمدی ری شهری، محمد (۱۴۲۱). موسوعة الامام علی بن ابی طالب، قم: دارالحدیث.
- ۱۵- المجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الأطهار، بیروت: مؤسسة الوفاء.
- ۱۶- معادینخواه، عبدالمجید (۱۳۷۴). خورشید بی غروب نهج البلاغه، تهران: نشر ذره.
- ۱۷- ناظم‌زاده خراسانی، سیداصغر (۱۳۷۳). تجلی امامت تحلیلی از حکومت امیرالمؤمنین علی (ع)، قم: الهادی.
- ۱۸- یعقوبی، احمد یعقوب بن جعفر واضح (۱۳۶۶). تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: مؤسسه علمی و فرهنگی.
- ۱۹- نرم افزار منهج النور، دانشنامه علوی، قم: مؤسسه خدمات کامپیوتری نور.